بیانیه

جنبش نه به جنگ، نه به تهاجم خارجی

ایـران عزیز ما در آتش جنگی تحمیلی و خانمان‌سـوز قرار گرفته اسـت. ما امضاکننـدگان ایـن بیانیه با وجود داشـتن نظـرات و اعتقـادات متفاوت، هم‌عقیده‌ایم که امروز امر میهنی بر امر سیاسی تقدم دارد. اکنون ملت ایران، با احترام به این تفاوت عقاید، در دفاع از سرزمین خود همدل و هم‌صداست. ما امضاکنندگان ایـن بیانیه اعلام می‌داریم یکـدل و یکپارچه در جبهه واحد ضـد تهاجم خارجی، حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی کشور را مقدم بر هر چیز دانسته و متحدا مقابل دشمن خارجی از نیروهای نظامی کشور خود حمایت می‌کنیم. و نیز در این روزهای سخت، تلاش نیروهای اجرائی کشور در امر درمان، تأمین نیازمندی‌هایی مانند انرژی، آب و معیشـت مردم را اجر نهاده و سپاسگزار این قهرمانان گمنام کشور هستیم. ما اسرائیل و آمریکا را که با زیر پا گذاشتن همه موازین بین‌المللی، مسبب و آغازگر این جنگ بوده‌اند، به‌عنوان جنایتکار جنگی شناخته و قاطعانه محکوم می‌کنیم. ما ترور رهبران سیاسـی و نظامی و کشـتار غیرنظامیان، زنان و کودکان عزیز کشورمان و نیز تخریب محیط زیسـت و میراث فرهنگی کشـور را محکوم کرده و خواستار پیگیری جنایات رژیم وحشی صهیونیسـتی و دولت زیاده‌خواه آمریکا در مجامع بین‌المللی هستیم. در این مرحله حساس و به‌غایت دشوار و خطرناک تاریخی، همبستگی ملی پشـتوانه اسـتوار دلاوری‌هـای مدافعان میهن اسـت و این امر مهم تنهـا با درک هوشمندانه و روادارانه الزامات زیستِ همدلانه جامعه متکثر ایرانیان ممکن است. ما خواهان آنیم که حاکمیت با مبارزه قاطعانه با فساد از یک سو و نگاه مداراگرانه نسبت به تفاوت در سـبک زندگی، تفکر و گرایش‌های سیاسـی و اجتماعی از سویی دیگر، شکاف بین ملت و حکومت را به پلی در راستای مشارکت همه مردم برای رفع موانع بدل سازد. ما معتقدیم انسجام ملی، استفاده از تجارب رؤسای ادوار دولت و مجلس و تأمین آزادی و مشارکت پایدار برای رسیدن به تفاهم در عرصه ملی، بزرگ‌ترین قدم در راسـتای تقویت و حمایت از قدرت دفاعی کشور است. هر جنگی نهایتا در میدان دیپلماسـی و مذاکرات به پایان می‌رسـد. امید اسـت در کنار و به پشتوانه مبارزات دلاورانه در میدان جنگ، با بهره‌گیری از تمام تجارب و شخصیت‌های ملی در عرصه دیپلماسـی، به پایانی عزت‌مندانه بر این جنگ دسـت پیدا کنیم. جبهه ضد تهاجم خارجـی برگرفته از تمرکز فکر و اراده ما مردم ایران برای مقابله با دشـمن مهاجم است. ما پیروز می‌شویم، چون با هم‌کوشی و همدلی می‌توانیم مشروعیت و مقبولیت سیاسی را در سراسر کشور و جهان به دست آورده و در حفاظت از استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی تأثیرگذار باشم.

امضاکنندگان

محمدرضا جلائی‌پور، مینا مجدزاده (وکیل دادگستری)، لیلا افشار (کنشگر مدنی و فعـال فرهنگی)، علی خواجویی (رئیس کانون وکلای کرمان)، سـید محمدعلی گلاب‌زاده (محقق و نویسـنده)، دکتر مصطفوی (رئیـس جبهه اصلاحات کرمان)، مرضیـه آذر افزا (عضو شـورای مرکزی حـزب عهد)، مهندس عباس حسـن‌زاده (مدیرعامل جهادنصر کرمان)، محمدحسـین یزدان‌پناه (شورای مرکزی حزب تاک)، دکتر علی‌اکبر حق‌دوسـت (اسـتاد دانشـگاه باهنر کرمان)، دکتر شهسوار صادقی (حزب اتحاد ملت ایران اسـلامی)، محمدرضا نژادحیدری (دبیرکل حزب توسـعه آزادی)، دکتر طهمورث بشـیریه (وکیل دادگستری و اسـتاد دانشگاه)، دکتر صرفی (عضو هیئت علمی دانشـگاه شـهید باهنر کرمان)، دکتر یوسف‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان)، دکتر احمدی‌نژاد (عضو هیئت علمی دانشگاه شـهید باهنرکرمان)، دکتر محمدمهدی عرب‌نژاد (عضو شورای مرکزی حزب تاک)، محمد اسلامی (عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت، شعبه کرمان)، سید محمود آیت‌اللهی موسـوی (رئیس اسبق کانون مهندسـین و متخصصین ایرانی در آلمان VINI)، مـادران صلح ایران، زهره تنکابنی، مهرانگیز رمضانی، پروین فهیمی، مژگان رأفت (کنشـگر مدنی)، فرخنده جبارزادگان (کنشـگر مدنی)، بهناز فرمانبر (کنشگر مدنی)، صادقه شـیردل (کنشـگر مدنی)، سـودابه افتخاری‌فر (کنشگر مدنی)، ندا شـمس، الهه نوری، ملیحه محمدی، میترا جلوداری، فؤاد خضرایی، امین کاوه‌ای، لیلا سـیدخاتمی، حمید ماهوتی، زینب مزارعی، فرزانه یعقوبعلی، مسعود سالاری، محمد امین نیکخو، محمدحسـین نعیمی‌پور، صالح نقره‌کار (وکیل دادگسـتری و کنشگر حقوق بشر)

یادداشت

گذار از آستانه هراس تخریب تأسیسات

ادامه از صفحه اول

۳-گزینه‌ها

الف- اسـتراتژی سیاسـی-دیپلماتیک: طرفداران اسـتراتژی سیاسی-دیپلماتیک باید مشخص کنند که معنای استراتژی سیاسی-دیپلماتیک چیسـت و چقدر امکان موفقیت دارد؟ حداقل و حداکثر آن چیسـت؟ پرسـش مهم‌تر آنکه آیا طرف مقابل انگیزه و اراده راه‌حل سیاسـی دارد یا اینکه از پیش عزم خود را بر تخریب و تسـلیم کامل جزم کرده است و راه دیگری برای شما باقی نگذاشته است. آن‌چنان که از پیشنهادهای آمریکا برمی‌آید، فاصله راه‌حل‌های طرفین بسـیار است و افق‌ها به‌شـدت متمایز. وانگهی ظرفیت‌های طرفین هنوز به اشباع نرسیده است که حتی بتوانند پیشنهاد سازشی هم ارائه دهند؛ مگر آتش‌بس موقت برای تأخیر در تخریب.

ب- راه‌حل نظامی: این راه‌حل در زدوخوردهای موشکی خلاصه می‌شود و طبعا ایـران می‌تواند تا آنجا که مقدور اسـت، آن را دنبال کند. ایـن راه‌حل تا آنجا که در درگیری نظامی محدود بماند، به سود ایران است، چون فعلا ظاهرا دست برتر دارد.

ج- ادامه تسلط بر تنگه هرمز یک راه‌حل مقدر است و ایران نمی‌تواند آن را کنار بگذارد. مهم‌ترین کارکرد آن این اسـت که در صورت تخریب خارک درآمد جایگزینی در بحران خواهد بود و در برابر تحریم‌ها و درآمدی که ایران از تسلط بر تنگه خواهد داشت، می‌تواند تخریب ایران را جبران کند. رابرت پیپ، کارشناس روابط بین‌الملل، مانند بسـیاری از کارشناسان دیگر بر این باور اسـت که «تا ۳۳ روز پیش جهان سه قدرت کانونی داشـت؛ آمریکا، روسیه و چین. اما اکنون ایران چهارمین قدرت کانونی جهانی اسـت. بیدارکردن قدرت نظامی کشوری که سرنوشت ۲۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان را دسـت دارد، بزرگ‌ترین اشتباه آمریکا بود. آمریکا ۱۶ درصد و روسیه ۱۱ درصد این قدرت را در اختیار دارد. ایران قدرت بیدارشـده‌اش را از دست نمی‌دهد». درواقع اگر اسـتراتژی آمریکا و اسـرائیل تخریب ایران اسـت، راهی برای ایران باقی نمی‌ماند که از این تنها ابزار، بهره‌برداری حداکثری کند. گفته می‌شود که این ابزار اگر بی‌رویه استفاده شود، این ظرفیت را دارد که اجماع جهانی را برانگیزد. اما نکته مهم اینجاست که اجماع جهانی به صورت کلاسیک نمی‌تواند اثراتی بیش از همین حد قدرت نظامی آمریکا و اسرائیل باشد؛ بالاتر از سیاهی رنگی نیست. آنچه می‌تواند تأثیر را بیشتر کند، اجماعی احتمالی است که از طریق آن با نیروهای مزدور و ارزان‌قیمت بخواهد تجزیه ایران را با هدف تسلط بر جنوب ایران محقق کند. این البته مسئله تنگه را حل نمی‌کند، چون به قول رئیس‌جمهور فرانسه گزینه نظامی غیرواقع‌بینانه است. به طریقی متناقض‌نما آمریکا به تله خودساخته‌ای از تحریم ایران افتاده که هم خود و هم جهان را وارد گرداب کرده اسـت. این بار این ایران اسـت که آمریکا و هر کشور همدسـت او را در تحریم‌ها، تحریم می‌کند. نتیجه آنکه تصمیم‌گیر ایرانی می‌تواند محاسـبه کند که زخم تخریب تأسیسـات را در برابر آنچه در تنگه هرمز به صورت تاریخی به دست می‌آورد، بپذیرد. ارسال این پیام واضح به آمریکا حتی می‌تواند خطر تخریب تأسیسـات ایران را کاهش دهد. آنچه در تنگه به دسـت می‌آورد (صادرات نفت و اخذ هزینه عبور بـه بهانه هاب گوناگون) بدیلی برای تحریم‌های غیرقانونی ایـالات متحده به دسـت می‌دهد. ایـران می‌تواند ادعا کند کـه تحریم‌های آمریکا غیرقانونی و در حکم جنگ علیه ایران اسـت و آمریکا را در وضعیت جنگی با ایران قرار داده است؛ بنابراین دولت‌هایی که به تحریم تن می‌دهند، متخاصم تلقی شده و حق عبور از تنگه را ندارند. البته دست ایران برای تفاسیر حقوقی دیگری نیز باز است.

روایت روزهای پراضطراب اهالی محله‌های چیتگر و شهرک اکباتان زیر موشک‌باران پیاپی

تهران بی‌خواب؛ ۳۷ شب انفجار و تداوم زندگی

محمدحسـین موسوی: تهرانی‌ها ۳۷ روز است که شب‌ها با صدای انفجار از خواب بیدار می‌شوند و صبح‌هـا از ترس حملات هوایی، با تردیـد و ترس در خیابان‌ها تردد می‌کنند. تهران در حال گذراندن یکی از رعب‌انگیزترین روزهای تاریخ پر افت و خیز خود است. در این میان، نام بعضی محلات بیشتر با خبر انفجار پیوند خورده است؛ مناطقی در شرق و غرب تهران که ساکنانش بیشتر از مناطق دیگر شهر، بوی سوختگی و باروت را حس کرده‌اند و شب‌های سخت‌تری را نسبت به مناطق دیگر گذرانده‌اند. چیتگر و اکباتان از این محلات هسـتند. شرایط جنگ جز آسـیب‌های فیزیکی بر چهره شهر، بر روان شهروندان نیز تأثیری عمیق گذاشته، اما «زندگی» متوقف نشده است؛ از مهدکودک‌های خودگردان تا رسیدگی به همسایگان تنها. شهروندان تهرانی در حال تلاش برای تداوم زندگی روزمره خود زیر این بمباران طاقت‌فرسا هستند.

خیابان‌های خلوت چیتگر

خیابان‌هـای اطراف میدان المپیک خلوت اسـت؛ میدانی کـه از پرتراکم‌ترین میدان‌های محله «چیتگر» است. معدود ترددهایی که جریان دارد، یا مربوط به خودروهای انتظامی است یا مربوط به افرادی که برای خریدهای روزمره بیرون آمده‌اند و به‌سـرعت در حال بازگشت به خانه خود هستند. در خیابان «چشـمه شرقی» که مجاور «خیابان دهکده المپیک» است، ساختمانی مورد اصابت قرار گرفته. مردی با چند نان در دسـت در حال حرکت در پیاده‌راه اسـت، به ساختمان که می‌رسد، چند دقیقه کنار آن می‌ایسـتد. مرد محاسن سـفیدی دارد و از روی لباس‌هایش پیداست که خانه‌اش در همین نزدیکی اسـت: «جنگ اسـت دیگر، به هر حال مسـائل خود را دارد». با اینکه از ابتدای جنگ تا امروز بسـیاری از اهالی، خانه‌هایشـان را ترک کرده‌اند، او اما در خانـه مانده و حتی کارهایی برای تحمل‌پذیرترکردن وضعیت کرده است: «مدیر بازنشسته دبستانی در جنت‌آباد هستم. با معلم‌هایی که می‌شناختم و در تهران مانده‌اند، ظهرها برای بچه‌های محل چند ساعت کلاس درس می‌گذاریم. سـخت هم نمی‌گیریم، بیشتر می‌خواهیم بچه‌ها در کنار هم باشند و از فضای جنگ دور شوند». اما دورشدن از فضای جنگ دشوار است. او شب‌های سختی را گذرانده: «بعضی شب‌ها اصلا نمی‌شود خوابید، من در دوران بمباران جنگ هشت‌سـاله نیز تهران بـودم، این بار اما فرق دارد. بمب‌ها تمام خانه‌مان را می‌لرزاند. یک شب چند تابلو از دیوار خانه افتاد و همسـرم از ترس حالش بد شد و به بیمارستان رفتیم». تنهایی نیز وضعیت را ترسـناک‌تر کرده است؛ مرد می‌گوید از هفته آخر اسـفند کم‌کم محله خلوت و خلوت‌تر شـد: «در ساختمان ۱۲واحدی ما، فقط سه واحد پر اسـت. سـاختمان‌های اطـراف نیز تک‌وتوک کسی مانده است. مدرسه موقتی که داریم نیز حالا تنها چهار بچه دارد». در خیابان «بیست‌وپنجم» در نزدیکی خیابان «چشـمه شـرقی» کافه‌ای کوچک قرار دارد؛ کافه‌ای که باز اسـت و یکی از میزهـای آن نیز میزبان چند مشتری زن است. در کافه موسیقی آرامی در حال پخش‌شدن است. باریستای کافه که پسرجوانی است، حیـن کار می‌گویـد: «هیچ‌وقت این‌قـدر خلوت نبوده است. مشتریان بسـیار کمی داریم». زنانی که مشتری کافه هسـتند، از کافه خارج می‌شـوند، یکی از آنها با تأیید حرف پسر جوان می‌گوید: «ما هم با ترس و لرز توانسـتیم هماهنگ کنیم که برای تغییر حال و هوا، از خانه خارج شـویم و اینجا بیاییم. کاش زودتر این جنگ تمام شود». او به صدای انفجار عادت کرده است، اما این عادت از ترسش کم نکرده: «اوایل با هر صدایی به‌سـرعت با خانواده‌ام به راهـرو امن‌تر خانه می‌رفتیم، اما حالا دیگر به راحتی تشخیص می‌دهیم که هواپیماست، انفجار است یا صدای پدافند می‌آید؛ معمولا نیز اگر زیاد نزدیک نباشد واکنشی نشان نمی‌دهیم. این بیشتر از اینکه به علت شجاعت ما باشد، به این دلیل است که از این وضعیت خسته شده‌ایم، چقدر از خواب بیدار شویم و برویم در راهرو؟».

مردم دنبال داروی خواب هستند

در خیابـان «میـدان المپیک» داروخانه‌ای کوچک قـرار دارد. در داروخانه، دو مرد پشـت باجه ایسـتاده‌اند، آنها می‌گویند این روزها بیش از هر چیز، درخواست داروهای خواب‌آور دریافت می‌کنند: «فروش قرص‌هایی مانند ملاتونین یا آرام‌بخش‌های مثل پوکسـاید از قبل بیشتر شده است». آنها در شرایط جنگ، هر روز داروخانه را باز نگه داشتند، اما از نظر اقتصادی هر روز بیشتر از روز قبل با ریزش مشـتری مواجه می‌شوند: «از یکی، دو هفته پس از شروع جنگ، هر روز میزان مشتریان ما کمتر شد. بعضی داروها هم افزایش قیمت زیادی خوردند و در این شـرایط جز افرادی که واقعا نیاز فوری به دارو دارند، باقی از خرید منصرف شدند». روبه‌روی داروخانه بخشی از مسیر دوچرخه‌سواری منطقه قرار دارد؛ مسـیری که از امن‌ترین مسـیرها برای دورچرخه‌سواران در شهر تهران است. مردی جوان با عینک آفتابی روی دوچرخه‌اش ایسـتاده و آب می‌خورد. پوسـت آفتاب‌سوخته و وسایل کاملش نشـان می‌دهد که در دوچرخه‌سواری حرفه‌ای اسـت. دوچرخه را به تیر برقی تکیه می‌دهد و حالا که کمی نفسـش بالا آمده اسـت می‌گوید: «من ساکن خیابان بالایی هسـتم. این مسیر را معمولا با دوسـتانم در روزهای تعطیل رکاب می‌زنیم تا هم دیداری تازه کرده باشـیم و هم ورزش کنیم». اما از شـروع جنگ، او در این مسـیر تنهاست، زیرا دوستانش یا از شهر رفته‌اند یا از ترس بمباران از خانه بیـرون نمی‌آیند: «من نمی‌توانم خانـه بمانم، در خانه که بمانم و دوچرخه‌سـواری نکنم حالم بد می‌شود». اما دوچرخه‌سواری در این شرایط مخصوصا در چیتگر بی‌مخاطره نیست: «هفته پیش در میان مسـیر همیشگی‌ام بودم که بمباران شروع شـد. مغازه‌ها نیز تعطیل بودند و مجبور شدم برای پناه‌گرفتن از یکی از عابران که داشت وارد خانه‌اش می‌شد درخواست کنم من را نیز چند دقیقه‌ای راه بدهد». خلوتی خیابان سرعت خودروها را بیشتر کرده است: «جدیدا پلیس دوباره آمده و در خیابان می‌ایستد و جریمه می‌کند. قبل از عید خیابان‌ها بسیار خطرناک شده بود، چون ماشین‌ها بلوار را خالی می‌دیدند و بی‌توجه به خط دوچرخه‌سواری گاز می‌دادند». در خیابان یک قنادی دیده می‌شود؛ چراغ بیلبورد تبلیغاتی قنادی روشـن است، اما وقتی وارد می‌شـوید، بیشتر چراغ‌ها خاموش و یخچال‌ها خالی است. از فروشـنده مغازه که مرد جوانی با پیراهنی زرد است، درباره اوضاع فروش می‌پرسم: «افتضاح. از اول جنگ تا به حال، جز سـه روز منتهی به سـال تحویل، بازار خراب است». او با دست به یخچال‌هایی اشـاره می‌کند که جز چند مدل محدود شـیرینی، خالی است: «شیرینی چیزی است که هم زود کهنه می‌شود و هم زود خراب می‌شود. ما دیگر جز شیرینی خامه‌ای و رولت، شیرینی تر نمی‌آوریم. از شیرینی‌های خشک هم بیشتر شیرینی‌هایی مثل آلمانی را که تاریخ مصرف طولانی‌ای دارند، تهیه می‌کنیم». او می‌گوید دولت باید به فکر خرده‌فروش‌ها باشد، زیرا سه ماه است درست کار نکرده‌اند: «از حوادث دی‌ماه به بعد ما فروش خوبی نداشتیم. امید داشتیم در فروش شب عید برخی از کمبودها جبران شـود که آن نیز با شـروع جنگ از بین رفت. ما در کنار خیابان هستیم و وضعمان کمی بهتر است، مغازه‌هایی که در کوچه‌ها و خیابان‌های فرعی هستند روزگار سختی را می‌گذرانند».

سکوت جنگ در اکباتان

«شـهرک اکباتان» یکی از پرتراکم‌ترین مناطق تهران است و شلوغی دائمی کافه‌ها، بازارچه‌ها و کریدورهایش از نمادهای «زندگی» در این بخش از شهر است. اما ۳۷ روز بمباران شهر به «زندگی» در اکباتان نیز رحم نکرده؛ حملات متعدد به فرودگاه مهرآباد و مکان‌های نزدیک شهرک، از تعداد ساکنان مجتمع کاسته است. بعضی حملات آسیب‌هایی فیزیکی به چند بلوک در فاز دو شهرک زده و صدای آژیر ممتد و تکرارشونده فرودگاه مهرآباد، حس ناامنی را به دل شهروندان تزریق کرده است. «حسنا» موهای جوگندمی دارد و با سگش در حال پیاده‌روی است. او ساکن بلوک ۱۸ در فاز دو اکباتان است؛ بلوکی نسبتا نزدیک به فرودگاه مهرآباد. او درباره «آژیر خطر مهرآباد» می‌گوید که تبدیل به موسیقی متن این روزهای سـخت زندگی در اکباتان شـده اسـت: «وقت و بی‌وقت صدای آژیر می‌آید. گاهی حملات حتی به مهرآباد هم نیست، اما باز آژیر می‌زند. اوایل جنگ با این صدا به طبقات منفی بلوک می‌رفتیم، اما الان می‌نشـینیم در خانه و دعا می‌کنیم که اتفاقی نیفتد». او تنها کسی نیست که دیگر حوصله رفتن به طبقات امن‌تر را ندارد: «در طبقه و راهرو ما بیشتر افراد خانه‌هایشان را ترک کرده‌اند؛ مخصوصا زمانی که بمباران سـوله‌های نزدیک به اکباتان در مهرآباد شروع شد و شیشه‌ها شکست، خیلی‌ها سـاختمان را ترک کردند. افرادی هم که مثل ما باقی مانده‌اند، دیگر رضایت به سرنوشـت داده‌ایم. چند بار باید طبقـات را پایین برویم و بالا بیاییم؛ آن‌هم نصف شب و وسط روز؟». اکباتان واحدهای زیادی دارد که فقط یک ساکن دارند، زنان و مردانی که اغلب مسن هستند و با رفتن بچه‌ها و خانواده‌هایشان از این مجتمع تاریخی، تنها در واحد خود مانده‌اند. «حسنا» می‌گوید همسایه‌ها از اول جنگ نسـبت به این افرادی که تنها هستند، بی‌توجه نبوده‌اند: «در هفته‌های اول که تعداد ساکنان بیشـتر بود، بعد از هر انفجار یا در هنگام رفتن به طبقات زیرین، چند نفر در هر بلوک مسئول این بودند که سـراغ افراد تنها بروند تا هم حال و احوالی کنند و هم آنها را با خود بـه طبقات امن‌تر بیاورند. حتی یک بار یکی از همسـایه‌ها با صدای انفجار و شکسته‌شدن شیشه‌های خانه‌اش حالش بد شده بود و همین سیستم مراقبتی باعث شد زود یکی از همسایگان به سراغ او برود و قبل از اینکه دیر بشود او را به بیمارستان ببرد. الان نیز با وجود کم‌شدن نسبی سکنه، حواس‌ها به این افراد تنها هست، هرچند دیگر تعداد کم است و حوصله‌ها نیز کمتر».

عکس: عباس کوثری، شرق

بازی در میانه جنگ

«با اولین صدای آژیر یا انفجار برمی‌گردیم. هرچقدر تلاش کردیم بچه‌ها از فضای جنگ دور باشند، اما فهمیده‌اند که جنگ اسـت و انفجار است و باید فرار کرد». این را «یوسف» می‌گوید؛ مردی با کت مشـکی و ریش‌هایی که می‌گوید بعد از عید حتی حوصله تراشـیدن آنها را ندارد: «ما با چند نفر از ساکنان اکباتان دو روز یک بار بچه‌ها را می‌آوریم اینجا تا با هم فوتبال بازی کنند یا هر بازی دیگری که کمی باعث شود بدوند و از خانه‌نشینی دربیایند». روبه‌رو محیطی نسبتا وسیع قرار دارد که نزدیک ۱۰ کودک در حال فوتبال بازی‌کردن در آن هستند؛ محیطی که قبلا جای پارک ماشین‌ها بود: «اینجا جای پارک ماشین میهمان‌ها یا افرادی که برای گشت‌وگذار در بین کافه‌های اکباتان می‌آمدند، بود. از هفته آخر اسـفند اما اکثرا خالی است و محل بازی بچه‌ها شده است». «یوسف» می‌گوید جنگ که شروع شد دو هفته از تهران به خانه دوستشان در بابلسر رفتند: «رفتیم اما دیگر چقدر باید می‌ماندیم؟ آدم آرامشی که در خانه دارد، جای دیگر ندارد. همسرم و بچه‌ها خسته شده بودند». آنها وقتی برگشتند با وضعیتی مواجه شدند که انتظارش را نداشتند: «زمانی که ما رفتیم این‌قدر صدای انفجارها یا حملات نزدیک نبود و بیشـتر همسایه‌ها نیز حضور داشـتند. اما وقتی برگشتیم، متوجه شدیم مهرآباد دائما مورد حمله قرار می‌گیرد و شـب‌ها صدای هواپیما می‌آید. شب‌های اول بسیار ترسناک بود. خیلی از همسـایه‌های ما رفته بودند و این شرایط را ترسناک‌تر می‌کرد. اما کم‌کم عادت کردیم و تلاش کردیم حداقل مراقب بچه‌ها باشیم». در اکباتان بازارچه‌های زیادی وجود دارد، یکی از معروف‌ترین و پر رفت و آمدترین آنها، «بازارچه کوثر» است که در فاز دو شهرک قرار دارد. بازارچه کوثر چند کافه و رستوران دارد که معمولا شـلوغ هسـتند، همین‌طور کریدورهایی دارد که محل گردهمایی جوانان است. اما حالا بازارچه در سکوتی عمیق فرو رفته است. جز صدای آهنگی که از اسپیکر یکی از کافه‌ها پخش می‌شود، خبری از سروصدای دیگری نیست. در طبقه پایین بازارچه مجاور کوثر که چند پیتزافروشی شلوغ قرار دارد، خبری از هیچ‌کس نیست و بیشتر مغازه‌ها تعطیل هستند. «حسین» در یکی از کافه‌ها کار می‌کند؛ کافه‌ای با تم نارنجی که از زمان شـروع جنگ دیگر رنگ شـلوغی سابق را به خود ندیده اسـت: «ما در روزهای معمولی بسـیار شلوغ هسـتیم، ولی این جنگ کاری کرد که در روز تک‌وتوک مشـتری می‌آید». او نگران تعدیل نیرو است: «همین روزها نیز حرفش هست که امکان تعدیل نیرو وجود دارد. این برای منی که بچه اکباتان هستم و عاشق کار در اینجا، خبر خیلی دردناکی است».

خبرخوان

خسارت به ۳۲۲ مرکز درمانی و بهداشتی

مهر: رئیس جمعیت هلال‌احمر گفت: از ابتدای حملات وحشـیانه دشمن ۳۲۲ مرکز درمانی و بهداشـتی و ۷۶۳ مدرسه دچار خسارت شده‌اند. پیرحسین کولیوند، با اشـاره به گزارش‌های ثبت‌شـده در بازه زمانـی سـاعت ۰۸:۰۰ روز ۱۴ فروردیـن ۱۴۰۵ تـا سـاعت ۰۸:۰۰ روز ۱۵ فروردیـن ۱۴۰۵، اعلام کـرد: «حملات صورت‌گرفته به مناطـق غیرنظامی و زیرسـاخت‌های حیاتی در چندین استان کشور، نشان‌دهنده ماهیت آشکار اقدامات غیرانسانی و نقض صریح اصـول بنیادین حقـوق بین‌الملل بشردوستانه اسـت». او افزود: «بر اساس داده‌های موجود، استان‌های بوشهر، تهران، زنجـان، فارس، لرسـتان و هرمزگان دچار خسارات گسترده شده‌اند. در استان تهران، مناطقـی نظیر ملارد، ولنجک (دانشـگاه شـهید بهشتی)، شـهریار، فشم، قرچک و امامزاده داوود مورد اصابت قرار گرفته‌اند. همچنیـن در سـایر اسـتان‌ها از جملـه بندرعباس (اسـکله شـهید رجایی)، بندر خمیر (کارخانه سـیمان)، نورآباد (سایت مخابراتـی) و جهرم (مناطق مسـکونی) خسارات قابل توجهی گزارش شده است». کولیوند با اشـاره به ابعاد خسارات گفت: «از ابتـدای این حملات وحشـیانه تاکنون ۲۲,۸۱۰ واحد تجاری آسـیب‌دیده و علاوه بر آن، زیرساخت‌های حیاتی از جمله ۳۲۲ مرکز درمانی و بهداشـتی و ۷۶۳ مدرسه، ۱۸ مرکـز علمی و دانشـگاهی و ۲۰ مرکز هلال‌احمر دچار خسارت شده‌اند. همچنین تجهیزات امدادی شامل سه فروند بالگرد، ۴۶ دسـتگاه آمبولانـس و ۴۸ خـودروی عملیاتی آسـیب دیده‌انـد». او همچنین حمله بـه زیرسـاخت‌های پتروشـیمی خوزسـتان، پایانـه تجاری مرز شـلمچه، آزمایشـگاه علمی دانشگاه شهید بهشتی و منازل مسـکونی را از دیگر مصادیق این اقدامات دانست.

راه‌اندازی سامانه ویزیت آنلاین از امروز

سـامانه ویزیت آنلاین دانشـگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در بستر اینترنت ملی، برای ارائه خدمات ویزیت و مشاوره پزشکی از راه دور به عموم بیماران در سراسر کشور راه‌اندازی شد. بنابر اعلام معاونت توسعه مدیریت و منابع، در راستای اجرای عدالت در سـلامت و بهره‌منـدی هم‌وطنـان از مشاوره‌های تخصصی-درمانی و به منظور حفظ امنیت هم‌وطنان و کاهش مراجعات حضوری به مراکز درمانی سـامانه ویزیت آنلاین راه‌اندازی شده است. تمام متقاضیان دریافت خدمت ویزیـت آنلاین با مراجعه به پنـل تجمیعـی نوبت‌دهی دانشـگاه علوم پزشـکی شـهید بهشـتی به آدرس nobat.sbmu.ac.ir ضمـن دریافت نوبت ویزیت آنلاین، می‌توانند در زمان گرفته‌شده از خدمات کلینیک‌های مجـازی بهره‌مند شوند. پزشـکان با ورود به پنل مربوطه به آدرس Dr.sbmu.ac.ir امـکان مشـاهده فهرسـت بیماران خـود و انجـام ویزیت آنلاین در سـاعت مقرر را دارند. همچنین، با هـدف ارتقای کیفیت خدمـات درمانی، در سـامانه ویزیت آنلاین امکان ارسال و به اشـتراک‌گذاری فایل برای بیمـاران فراهم شـده تا بیمـاران بتوانند فایل‌هـای نتایج آزمایش‌های بالینی، نتایج تصویربرداری و... را با پزشک معالج خود به اشتراک بگذارند.

برگ سبز سواری پراید مدل ۹۳
به شماره پلاک : ۲۶۴ ج ۸۲ - ایران ۹۵
و شماره موتور: ۵۱۷۲۵۰۴
و شاسی: NAS۴۱۱۱۰۰E۱۰۵۳۸۴۵
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

کلیه اسناد مالکیت(سندکمپانی، برگ سبز ،کارت و ...)
سواری پژو ۴۰۵جی ال ایکس مدل ۸۴
به شماره پلاک: ۷۳۲ د۱۹ - ایران ۱۶
و شماره موتور: ۱۲۴۸۴۰۶۸۰۰۸
و شاسی: ۱۳۲۰۶۱۳۶
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

برگ سبز و کارت مالکیت سواری کوئیک مدل ۱۴۰۱
به شماره پلاک: ۴۷۹ ی ۳۹ - ایران ۱۶
و شماره موتور: ۹۸۴۷۱۶۵/M۱۵
و شاسی: NAS۸۴۱۱۰۰N۳۴۵۳۷۰۳
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

کلیه اسناد مالکیت(برگ سبز ، سندکمپانی، کارت و...)
سواری پژو روآ مدل ۸۷
به شماره پلاک: ۵۳۸ س ۵۹ - ایران ۷۸
و شماره موتور: ۱۱۶۸۷۰۱۲۵۱۵
و شاسی: NAAB۲۱AA۲۸H۰۰۳۴۹۳
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز سواری هاچ بک.پژو۲۰۶ مدل ۱۴۰۰
به رنگ سفید شماره شاسی NAAPO۳EE۸MJ۴۴۹۶۱۷
شماره موتور۱۸۲AO۱۳۷۱۳۰
شماره پلاک ۲۰ایران.۷۷۹ط۸۶ بنام **حمید رضا رستمی**
مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

اطلاعیه
خودروی سواری پژوپارس TU۵ مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۴۳ ق ۸۶۹ ایران ۴۰ به شماره موتور ۱۳۹B۰۲۵۳۳۲۲ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۶MH۶۸۸۲۷۴ مفقود/سرقت شده است
در صورت مشاهده با شماره ۰۹۰۰۴۳۸۶۱۹۱ تماس حاصل شود.

برگ سبز سواری ام وی ام هاچ‌بک مدل ۱۴۰۲
به شماره پلاک: ۵۱۲ ج ۹۸ - ایران ۱۶
و شماره موتور: MVME۴G۱۵CBMR۰۲۲۷۳۹
و شاسی: NATFBAAC۵P۱۰۱۷۷۶۳
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز سواری هاچ بک کوییک مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید مشکی روغنی شماره شاسی NAPX۲۱۲AAM۱۰۸۲۳۵۲
شماره موتور M۱۵۹۴۴۷۰۴۵ شماره پلاک ۴۰ایران ۶۹۲ل۴۶
به نام **حانیه سالاری** مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

برگه سبز و مدارک نقل و انتقال خودروپراید SE ۱۳۱ مدل ۱۳۹۵ سفید روغنی به شماره پلاک ۷۸۳م ۱۶ ایران ۳۸ به شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۳۴۸۲۰۶۰ شماره موتور M۱۳/۵۶۰۱۰۴۰ به نام **زینب اجلالی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد